جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۰۷۲ | یک‌شنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۹ | ۲۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۱:۴۹ |
غروب آفتاب: ۱۶:۵۷ | اذان مغرب: ۱۷:۱۷ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۰۶ | اذان صبح فردا: ۰۵:۱۴ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۴۱ |

کتاب خوانی

در منزل ما، همه افراد هر شب در حال مطالعه خوابشان می‌برد

در منزل خودِ من، همه افراد، بدون استثنا، هر شب در حال مطالعه خوابشان می‌برد. خود من هم همین‌طورم. مطالعه می‌کنم، تا خوابم می‌آید، کتاب را می‌گذارم و می‌خوابم.
صفحه رهبر انقلاب در فضای مجازی به مناسبت هفته کتاب مطلبی را با این عنوان منتشر کرد: «در منزل من، همه افراد، هر شب در حال مطالعه خوابشان می‌برد» و در ادامه نوشت: «همه خانواده‌های ایرانی باید این گونه باشند.»

در این صفحه از قول رهبر انقلاب آمده است: من این را می‌خواهم عرض کنم که در منزل خودِ من، همه افراد، بدون استثنا، هر شب در حال مطالعه خوابشان می‌برد. خود من هم همین‌طورم. نه اینکه حالا وسط مطالعه خوابم ببرد. مطالعه می‌کنم، تا خوابم می‌آید، کتاب را می‌گذارم و می‌خوابم. همه افراد خانه ما، وقتی می‌خواهند بخوابند، حتماً یک کتاب کنار دستشان است. من فکر می‌کنم که همه خانواده‌های ایرانی باید این گونه باشند. توقع من، این است. باید پدرها و مادرها، بچه‌ها را از اول با کتاب محشور و مأنوس کنند، حتی بچه‌های کوچک باید با کتاب اُنس پیدا کنند. باید خریدِ کتاب، یکی از مخارج اصلی خانواده محسوب شود. مردم باید بیش از خریدن بعضی از وسایل تزئیناتی و تجملاتی- مثل این لوسترها، میزهای گوناگون، مبل‌های مختلف و پرده و...- به کتاب اهمیت بدهند. اول کتاب را مثل نان و خوراکی و وسایل معیشتی لازم بخرند، بعد که این تأمین شد به زواید بپردازند. هفته کتاب از امروز آغاز و تا ۳۰ آبان ادامه دارد.

حکمت

حضرت زهرا(س):
کسی که عبادت‌های خالصانه خود را به سوی خدا فرستد، پروردگار بزرگ برترین مصلحت را به سویش فرو خواهد فرستاد.
(بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۴۹)

نما | حسین کشتکار

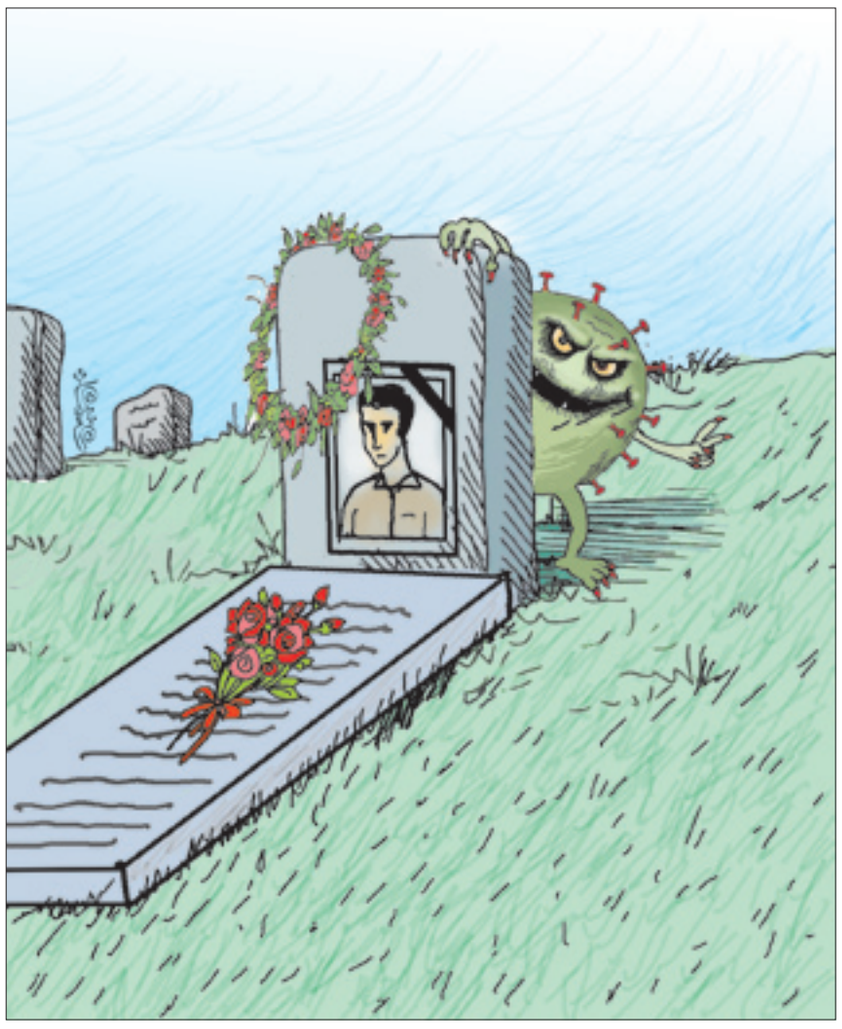

موسای سلحشور به ابراهیم رسید

تجربه موفق حاتمی‌کیا در تولید بیگ پروداکشن سینمایی و نیز تسلط بر دیالوگ‌نویسی برتری‌هایی است که ضریب موفقیت و امیدواری‌ها درباره کارگردانی پروژه «موسی(ع)» را ارتقا می‌دهد

■ جواد محرمی

پروژه «موسی(ع)» هنوز به مرحله تولید نرسیده دو فیلمساز مطرح کشورمان را از گود خارج کرد تا کار به دست ابراهیم حاتمی‌کیا برسد.

ساخت سریالی درباره حضرت موسی(ع) را مرحوم فرج‌الله سلحشور کلید زد؛ مردی که پیش از آن چند مجموعه با محوریت داستان پیامبران بزرگ ساخته بود و سریال یوسف پیامبر او اتفاقاً مرزهای ایران را نیز درنوردید و خارج از ایران و در کشورهای دیگر نیز از آن استقبال شد و جالب است که یوسف پیامبر تا الان موفق‌ترین سریال ایرانی در خارج از کشور است و بارها از شبکه‌های برون‌مرزی ایران و سایر کشورها پخش شده است. موفقیت برون‌مرزی یوسف پیامبر پیش از آن اتفاق افتاد که ترکیه با حریم سلطان به بازار جهانی سریال‌سازی راه باز کند و با تولید صنعتی و انبوه یکی پس از دیگری ترک‌تاز این عرصه لقب بگیرد اما مدیران فرهنگی به جای درس گرفتن از موفقیت یوسف پیامبر و گشودن راهی تازه برای صنعتی شدن سریال‌سازی در ایران همان روش‌های کهنه و امتحان پس داده سابق را با همان نیروهای فکری و اجرایی سابق در سریال‌سازی ادامه دادند تا امروز نه تنها سریال‌های ایرانی توان رقابت در عرصه منطقه و بین‌الملل را نداشته باشند بلکه در داخل مرزها نیز با رکودی محسوس و اسفناک روبه‌رو باشند.

■ **علمی که یکی پس از دیگری به حاتمی‌کیا رسید**

مرحوم فرج‌الله سلحشور که به سرطان مبتلا شد، جمال شورجه تلاش کرد علم ادامه تولید سریال موسی(ع) بر زمین نماند اما بیماری به او نیز امان نداد تا پروژه موسی(ع) بر زمین بماند و به مرحله تولید نرسد. حالا خبر می‌رسد که ابراهیم حاتمی‌کیا قصد کرده این علم را بردارد و کار را ادامه دهد. به طور عادی می‌توان حدس زد که صهیونیست‌ها از ساخت فیلمی ایرانی درباره پیامبر یهود عصبانی و ناراحت باشند، هر چند این عصبانیت را به طور رسمی بروز ندهند اما نمی‌توان این واقعیت را انکار کرد. نقل است از رسول گرامی اسلام(ص) که هر آزمونی که بر بنی‌اسرائیل روا شد، امت پیامبر خاتم نیز تجربه خواهند کرد. تردید نباید کرد که در فیلمنامه مرحوم سلحشور انحراف یهود و ریشه‌های آن فصل مهمی را به خود اختصاص بدهد.

به احتمال زیاد حاتمی‌کیا به طور کامل به فیلمنامه مرحوم سلحشور وفادار نماند، چه اینکه این کار اصلاً عملی و منطقی نیز نخواهد بود

■ **از سیسیل بی‌دمیل تا حاتمی‌کیا**

درباره حضرت موسی(ع) تا به حال آثار سینمایی زیادی ساخته شده که معروف‌ترین آن «ده فرمان» ساخته سیسیل بی‌دمیل است؛ فیلمی که هنوز هم با محاسبه تورم ششمین فیلم پرفروش جهان است. اساساً داستان پیامبران الهی آنقدر جذاب است که تجربه نشان داده است اگر پرداخت نمایشی و سینمایی خوبی از آنها ارائه شود، مردم استقبال بی‌سابقه‌ای از آن خواهند داشت. تولید فیلم ده فرمان در زمان خود آنقدر حساسیت داشت که عوامل فیلم از چارلتون هستون بازیگر نقش موسی(ع) از او تعهد گرفتند تا پس از اکران فیلم بیش از گذشته بر رفتار اجتماعی‌اش مراقبت کند.

■ **تفاوت‌های مجیدی با حاتمی‌کیا**

سریال موسی(ع) بی‌تردید بزرگ‌ترین چالش حرفه‌ای ابراهیم حاتمی‌کیا خواهد بود. پیش از این سینمای ایران تجربه نسبتاً ناموفق سپردن ساخت فیلم درباره پیامبر اسلام(ص) به یکی از فیلمسازان بزرگ را از سر گذرانده است. مجید مجیدی با اینکه فیلمساز بزرگی است و تجربه موفقیت‌های بین‌المللی زیادی با آثارش دارد اما خیلی‌ها معتقد بودند تولید فیلم تاریخی حیطه‌ای نیست که مجیدی در آن تجربه‌ای داشته باشد و برای او چالشی پرریسک خواهد بود اما سینمای حاتمی‌کیا با مجیدی تفاوت‌هایی دارد که ضریب امیدواری‌ها به موفقیت او را بسیار بیشتر می‌کند. اول اینکه حاتمی‌کیا تجربه تولید موفق فیلم بیگ پروداکشن را با ساخت «چ» و «به وقت شام» از سر گذرانده است؛ هر چند به طور قطع سریالی به وسعت موسی(ع) بیش از مدیریت در عرصه بیگ پروداکشن نیاز به تمرکز ویژه روی فیلمنامه دارد؛ فیلمنامه‌ای که اگرچه مرحوم سلحشور آن را نوشته است اما به طور طبیعی نیاز به بازنگری ساختاری از سوی حاتمی‌کیا خواهد داشت. تفاوت دیگر حاتمی‌کیا با مجیدی دیالوگ‌نویسی است. در فیلم «محمد رسول‌الله» مجیدی از خلق حتی یک دیالوگ ماندگار و سینمایی عاجز نشان داد اما آثار حاتمی‌کیا به جز قابلیت در فضاسازی و فرازو فرودهای ماهرانه دراماتیک همواره از دیالوگ‌های ماندگار و فکرشده سینمایی نیز بی‌بهره نبوده است؛ عرصه‌ای که به طور قطع یک فیلم تاریخی نیازی جدی به آن دارد.

■ **نیاز به تمرکز روی فیلمنامه**

به احتمال زیاد حاتمی‌کیا به طور کامل به فیلمنامه مرحوم سلحشور وفادار نماند، چه اینکه این کار اصلاً عملی و منطقی نیز نخواهد بود. سریال موسی(ع) به طور قطع نیاز به یک تیم فیلمنامه‌نویسی دارد تا فرازوفرودهای دراماتیک آن را قوت ببخشد. برخلاف فیلم محمد رسول‌الله(ص) که مجیدی برای قوت کیفی آن به عوامل مشهور خارجی متوسل شد و در رویکردی پرانتقاد از فیلمبردار گرفته تا آهنگساز و تدوینگر را از خارج به ایران آورد، ابراهیم حاتمی‌کیا در پروژه موسی نیازی به هیچ گروه یا فرد خارجی نخواهد داشت و او در تولید صحنه‌های دشوار آثاری چون «چ» و «به وقت شام» و نیز فیلم «خروج» نشان داد به نیرو و توان داخلی جوان‌های ایرانی ایمان دارد و در سپردن کار به آنها نیز نه تنها ضرر نکرده بلکه اعتماد او سینمای ایران را به لحاظ خلاقیت‌های فنی چند پله ارتقا داده است.

■ **پروژه‌ای با ضریب جذابیت بالا**

پروژه موسی(ع) اگر در پخش موفق شود، می‌تواند بسیاری از گره‌های ذهنی درباره تاریخ را باز کند. انتخاب حاتمی‌کیا برای ادامه این پروژه اتفاق میمون و هوشمندانه‌ای است که بی‌تردید اشتیاق و درک خود حاتمی‌کیا نیز در این باره نقش مهمی دارد. خبرهای پروژه موسی(ع) از این به بعد به واسطه حضور حاتمی‌کیا جذاب‌تر خواهد بود و همه کنجکاو این خواهند بود تا ببینند حاتمی‌کیا چه کسی را برای نقش موسی(ع) انتخاب خواهد کرد و چه روندی را در پیش خواهد گرفت.

نقد کتاب | رامین جهان‌پور

نگاهی به رمان «هلال پنهان»

سربازی که نویسنده شد

رمان «هلال پنهان» نوشته علی‌اصغر شیرزادی در مورد افسری ایرانی به نام «یونس بشیران» است. بشیران علاوه بر اینکه یک فرد نظامی است هر از چند گاهی دست به قلم می‌برد و داستان هم می‌نویسد.

او در سال ۱۳۵۹ خورشیدی در بحبوحه شروع جنگ ایران و عراق مأموریت پیدا می‌کند تا به جبهه برود اما به خاطر وحشتی که از جنگ دارد از مافوقش «ابراهیم یارزاولی» می‌خواهد که او را به پشت جبهه منتقل کند اما فرمانده‌اش که برخلاف او سر نترسی دارد، با یونس برخورد تندی می‌کند و به او جواب منفی می‌دهد. بشیران از جبهه فرار می‌کند و به شهر دورافتاده‌ای می‌رود و در آنجا شروع به نوشتن رمانی از جنگ می‌کند و در رؤیاهای خودش، خود را افسری شجاع می‌بیند که در کنار همرزم شهیدش «شریف نامداران» مشغول مبارزه است...».

این چکیده کوتاهی بود از کل رمانی که اصغر شیرزادی نوشته است. رمان نثر و لحن سنگینی دارد و راحت‌خوان نیست و نویسنده کتاب خواسته که هم به پیرنگ توجه داشته باشد هم به ساختار، اما بیشتر توجه نویسنده به فرم داستان بوده است و می‌توان این کتاب را جزو داستان‌های ساختارگرا قرار داد. اما باید توجه داشت که گاهی داستان‌های ساختارگرا هم اگر ضرباهنگ کندی داشته باشند، لذت و خلسه ادبیات را از مخاطب می‌گیرند. همانطور که داستان‌های ضعیف و سطحی و عامه‌پسند هم گاهی باعث دلزدگی مخاطبان خاص کتاب می‌شوند. اصولاً از داستان‌هایی که تمرکز نویسنده‌اش بیشتر روی فرم اثر باشد و به جای ایجاد تعلیق، بخش اعظم داستان را به تفسیر و توضیح شخصیت‌ها و بازی با کلمات ادبی اختصاص دهد، فقط نویسنده‌ها و کتابخوان‌های حرفه‌ای لذت می‌برند و نه خواننده متوسط. پرداخت داستان در لوکیشن‌های متعددی ادامه می‌یابد. اول جبهه بعد شهر دورافتاده‌ای که شخصیت اول داستان به آنجا فرار کرده است و بعد در مکانی که استاد داستان‌نویسی بشیران، یعنی «استاد مسیح» به همراه چند نویسنده دیگر از جمله یونس حضور دارند و این زمان و مکان‌های داستان در طول پرداخت، دائماً دچار تغییر حالت می‌شوند.

در این داستان چند کاراکتر محوری وجود دارد که هر کدام از آنها شخصیت‌های متفاوتی دارند، مثلاً «شریف نامداران» یک افسر ارتشی است که وقتی جنگ شروع می‌شود به همسرش می‌گوید: «من به جنگ می‌روم و تا جنگ تمام نشود به خانه نمی‌آیم» و از تمام دلبستگی‌های دنیا و زندگی دست می‌کشد. او می‌رود و شهید می‌شود. شخصیت دیگر رمان هم «ابراهیم» است که فرمانده گروهان است؛ همان که به یونس بی‌احترامی کرده است. شخصیت کلیدی دیگر داستان هم استاد مسیح است که به نوعی می‌توان گفت مشوق و معلم یونس در داستان‌نویسی است. در فصل‌های مختلف هر کدام از اینها به صورت مونولوگ، زندگی‌شان را که ماجراهایش به هم مرتبط است برای مخاطب تشریح می‌کنند. این رمان در ۱۱۲ صفحه توسط انتشارات افق منتشر شده است.

زبان فارسی

نماهنگ

نگاهی به نماهنگ «قاصدک» ساخته سیدمهدی حسینی

صدای قدم‌هایی از پله‌های یک کتابخانه

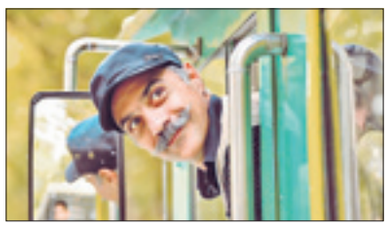

■ مهرو ماهر

تولید نماهنگ‌های موضوعی و آموزشی، به ویژه وقتی مخاطب آن کودک و نوجوان باشد، همیشه با این خطر روبه‌رو است که به ورطه شعارپراکنی و اغراق بیفتد و نتیجه نهایی، اثری بی‌تأثیر و بی‌خاصیت و خسته‌کننده از کار درآید اما اگر ساخت چنین آثاری توسط یک تیم حرفه‌ای و خلاق با کارگردانی درست و هوشمندانه صورت بگیرد، می‌توان شاهد موزیک ویدئویی دیدنی و حتی به‌یادماندنی بود. نمونه خوب آن، نماهنگ «قاصدک» است که با موضوع کتاب و کتابخوانی توسط سیدمهدی حسینی در مقام کارگردان و با پشتیبانی مؤسسه مأوا تولید و پخش شده و مورد استقبال عموم بچه‌های ایران قرار گرفته است. ویژگی مهم این کلیپ که منجر به موفقیت و درخشش آن شده، استفاده صحیح و اصولی از عناصر طبیعی و احساسی برای ارتباط گرفتن و لذت‌بردن مخاطب است. نماهنگ «قاصدک» با صدای قدم‌هایی که از پله‌های یک کتابخانه پایین می‌آید، شروع می‌شود و در همان آغاز، توجه و حس شنوایی بیننده را درگیر صداهایی می‌کند که قرار است در طول سه دقیقه و ۲۰ ثانیه بشنود. صدای پاها آغازگر یک ریتم و ضرباهنگ پرانرژی برای شیطنت تعدادی نوجوان- که به نظر می‌رسد دوستان خوبی هستند- در یک کتابخانه می‌شود و بلافاصله آنها نیز دست به کار می‌شوند و صداهای دیگری مانند ورق‌زدن کتاب، صدای ارتعاش خط‌کش بر لبه میز و سپس به شکل آشکارتری، صدای برخورد دست‌ها به سینه و کف‌زدن را ایجاد می‌کنند تا موسیقی مورد نظرشان شکل بگیرد. بامزه اینکه کارگردان طنز ظریف و بانمکی هم در پیشبرد نماهنگ خود به کار گرفته است که موجب لبخند و گاهی خنده تماشاگر می‌شود، مانند پسر نوجوان و چاقی که حین کتاب‌خواندن، شیرینی خامه‌ای می‌خورد یا نوجوان دیگری که با نگرانی به کسی نگاه می‌کند که بر تعداد کتاب‌های روی دستش اضافه و بار او را سنگین‌تر می‌کند یا کنجکاوی خانمی که مسئول کتابخانه است و ابتدا این صداها به نظرش عجیب می‌رسد، ولی در ادامه او هم از آواز و آهنگ بچه‌ها به وجد می‌آید و لبخند بر لب می‌آورد. دیگر عنصری که به ایجاد فضایی شاد و دلنشین در نماهنگ کمک فراوان کرده، به کارگیری رنگ در مکان و زمان مناسب آن است. علاوه بر اینکه علی شمس (تهیه‌کننده) و مسعود جزایری (طراح صحنه) در استفاده از بهترین فضاسازی و چیدمان صحنه و دکور مثل رنگ‌آمیزی اتوبوس با طیف غالب سبز و همرنگی با طبیعت و همچنین مهناز شکوه‌فر (طراح لباس)، با انتخاب لباس‌هایی در رده رنگ‌بندی‌های گرم و روشن و مهیج- زرد و سفید و قرمز- بر زیباسازی دیداری نماهنگ افزوده‌اند، محمدعلی طیب‌نیا نیز در مقام تدوینگر و اصلاح رنگ، موجب هماهنگی جذابی در تصاویر شده است. تمپویی که امید روشن‌بین (آهنگساز) با ریتم دست‌ها ایجاد کرده و در طول نماهنگ شنیده می‌شود و همین‌طور آوای گروهی و ابتدایی موسیقی و سازهای اصلی، موزیک‌ویدئو را به لحاظ شنیداری هیجان‌انگیز و انرژی‌بخش کرده است. بنفشه رسولیان (ترانه‌سرا) هم به خوبی موفق شده است با ساده‌ترین و زیباترین واژه‌ها، پیام ویدئو را به مخاطب هدف آن برساند، با وجودی که توصیف‌های کلامی او از احساس کتابخوانان کوچک، تکراری و پیش‌تر گفته شده است: «باز یه صبح روشن/ با تو یار مهربونم/ آبی و زلالم/ با تو مثل آسمونم/ دستمو بگیر تو/ تا بازم قصه‌تو بخونم/ حرفای تو خوبه/ تا همیشه باهات می‌مونم» و البته بهتر بود در تدوین از معدود اشاره‌های گل‌درشت به برخی واژه‌ها پرهیز می‌شد، مثل پلانی که بچه‌ها می‌خوانند «دنیامون قشنگه/ می‌دونم با ترانه‌هامون» و همزمان با کلمه دنیا، تصویر کات می‌خورد به تصویر ماکت کره زمین که نوجوانی آن را می‌چرخاند. در کنار تمام این عوامل، آنچه بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند، کارگردانی خوب حسینی است. انتخاب قاب‌ها و دکوپاژ ویدئوی قابل‌قبول و بی‌عیب و نقص و بازی پسران نوجوان شیرین و بامزه است. اگر انتقادی بر این نماهنگ قائل باشیم، دو نکته مورد توجه قرار می‌گیرد؛ نخست آنکه تاثیرگذاری موزیک‌ویدئو بیشتر می‌شد اگر خط داستانی برای مدیوم تصویری این آهنگ و ترانه، تعیین و تعریف می‌شد اما در حال حاضر، نماهنگ فاقد قصه است که آن را از جهان موضوعی ویدئو- کتاب و داستان‌خوانی- دور می‌کند. دوم آنکه کاش سازندگان این نماهنگ زیبا، همپای پسران نوجوان از بانوان نوجوان نیز بهره می‌بردند و دست به تفکیک جنسیتی کتابخوانی نمی‌زدند. متأسفانه تنها دختر نوجوان در این ویدئو، بی‌حرکت و منفعل در گوشه‌ای ایستاده و نظاره‌گر شادمانی پسران است. در حالی که جمعیت دختران کشور نیز می‌توانند به همان اندازه از کتاب و کتابخوانی لذت ببرند که پسرها. با تمام این تفاسیر، موزیک‌ویدئو «قاصدک» تلاشی تحسین‌برانگیز در راستای تبیین اهمیت کتاب و کتابخوانی میان نسل نوجوان است و باید چنین آثاری را جدی گرفت و تولیدشان را ترویج کرد. به امید روزی که هر نوجوان- فارغ از جنسیت- یار مهربان کتاب‌ها باشد.

«ملکه گدایان» از تهران به ترکیه رفت

عوامل سریال «ملکه گدایان» برای ادامه تصویربرداری وارد کشور ترکیه شدند.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی سریال، با آغاز تصویربرداری «ملکه گدایان» در مردادماه و ضبط اولین سکانس در خیابان الغدیر تهران، عوامل این سریال برای ضبط سکانس‌های ابتدایی وارد کشور ترکیه شدند. در استانبول، سکانس‌های آغازین سریال تصویربرداری خواهد شد.

دومین سریال حسین سهیلی‌زاده، در شبکه نمایش خانگی محصول نبراس پیکچرز است که تهیه‌کنندگی آن را رحمان سیفی‌آزاد و علی طلوعی بر عهده دارند و ایرج محمدی مشاور پروژه این سریال است.

ساخت سریال ملکه گدایان با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در حال انجام است و در آذرماه به صورت اختصاصی از فیلیمو پخش خواهد شد.

علیرضا قزوه در واکنش به انفعال دستگاه فرهنگی کشور مطرح کرد

نام خارجی بر کالای ایرانی نشانه خودباختگی است

شاعر ایرانی مقیم هند می‌گوید: مشکل بزرگ ما در انتخاب نام غیرفارسی برای کالاهای ایرانی تقلید از غرب و تکیه نکردن بر داشته‌های خودمان است.

«علیرضا قزوه» مسئول فرهنگی ایران در هند درباره استفاده از واژه غیرفارسی برای کالاهای تولید شده در داخل به فارس گفت: ما با چند هزار سال تمدن و آن همه هنر و صنعت امروز به جایی رسیده‌ایم که هم در هنر، هم در صنعت و کیفیت و هم در صداقت در حال باختن قافیه هستیم. مشکل بزرگ ما تقلید از غرب و تکیه نکردن بر داشته‌های خودمان است. ما هنوز نتوانسته‌ایم این مشکل سنت و مدرنیته را حل کنیم؛ یا خیره می‌شویم به سنت یا بر سرسره مدرنیته سوار و کیلومترها از اصل خود دور می‌شویم.

قزوه اضافه کرد: ما ایرانیان خیلی زود احساساتی می‌شویم و مثلاً با دیدن یک فروشگاه مثلاً برند در یک کشور فکر می‌کنیم تمام داشته‌ها و بافته‌های خودمان پنبه شده است. بعد که در همان فروشگاه به اصطلاح «برَند» کمی چرخ می‌زنیم، می‌بینیم مثلاً یک بافته سنتی شبیه بافت فلان شهر دورافتاده خودمان کلی قیمتش از بقیه بالاتر است، حتی ذوق‌زده می‌شویم و همان بافته سنتی را فقط به خاطر اینکه در این فروشگاه عرضه شده، می‌خریم! ما باید تعادل پیدا کنیم. هم بر داشته‌های خودمان تکیه کنیم و هم به غرب و شرق عالم نظر داشته باشیم و به خصوص خودروها و کیفیت ساخت و دستگاه‌های تولیدی‌مان را بالا ببریم. این مسئول فرهنگی ایران در کشور هند اظهار داشت: من فکر می‌کنم اگر مثلاً قائنات ما در فرانسه بود، آنها از راه زعفران، صدها شکلات و دارو و وسایل آرایشی و بهداشتی و نوشیدنی و... تولید می‌کردند و برای هر مثقالش برنامه‌ریزی داشتند، طوری که ثروتمندترین شهر جهان می‌شدند، اما ما یاد گرفته‌ایم زعفران‌مان را در گونی کنیم و کیلو کیلو بفروشیم.

وی با اشاره به استفاده از نام غیرفارسی برای کالاهای ایرانی گفت: من تأکید روی نام خاصی ندارم، ولی با این وضع خراب کارخانه‌ها شاید تنها راه فرار از شکست و ورشکستگی بعضی، همین گرفتن طناب پوسیده نام خارجی باشد. این البته درد بزرگی است. باید خیلی عمیق‌تر و حساب شده‌تر با کمک رسانه‌ها و رسانه ملی روی این موضوع کار کرد.

به گفته وی، از داشتن گرین کارت و پوشیدن لباس برند فلان مارک بگیرید تا خوره‌ای که به جان مدیران و مسئولان فرهنگی ما افتاده است، وضعیت بغرنجی است که در آن گرفتاریم، البته توقع هم نداریم که گاندی باشند، می‌گوییم شترسواری دولا دولا نمی‌شود.

سینما

حال عمومی «پورحسینی» خوب نیست

پرویز پورحسینی بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون که در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان فیروزگر بستری است، حال عمومی‌اش خوب نیست و روند درمان به طور جدی دنبال می‌شود.

پورنگ پورحسینی فرزند پرویز پورحسینی بازیگر باسابقه مطرح سینما، تئاتر و تلویزیون ایران درباره وضعیت جسمانی این هنرمند که این روزها به دلیل ابتلا به بیماری کرونا در بیمارستان بستری است، گفت: الان در ۷۲ ساعت حساس قرار داریم که باید داروها جواب بدهند. هوشیاری دارند اما بیماری بسیار سخت و جدی است. پزشکان به ما گفته‌اند امید دارند اتفاقات خوبی بیفتد اما از مردم می‌خواهیم که برای پدرم دعا کنند.

وی تأکید کرد: ریه پدرم خیلی بد درگیر کرونا شده و باید ببینیم واکنش‌های بدن به داروها چیست. پزشکان و کادر درمانی خیلی جدی در تلاشند ایشان درمان بشوند. انصافاً کادر پزشکی بیمارستان فیروزگر از هیچ تلاشی دریغ نکرده‌اند اما واکنش‌های این بیماری به داروها، قابل پیش‌بینی نیست. پورحسینی با بیان اینکه پدرم مردی پرقدرت و خیلی قوی است، یادآور شد: پدر حتی در زندگی خصوصی نیز شخصیتی کاریزماتیک است و همچنان که روی تخت بیمارستان بستری است نیز این کاریزما را دارد. همچنان نگاه‌هایی آرام دارد ولی قادر به صحبت نیست، زیرا با دستگاه تنفس می‌کند.

فرزند پرویز پورحسینی در پایان سخنان خود تصریح کرد: واقعاً از کادر درمان بیمارستان سپاسگزارم که در این شرایط سخت کار خودشان را به درستی انجام می‌دهند و خیلی منظم هستند. این عزیزان نه تنها با پدر بلکه با تمام بیماران به درستی برخورد می‌کنند و لبخند از روی لب هیچ کدام‌شان حذف نمی‌شود. واقعاً کادر درمانی در شرایط بسیار سختی به سر می‌برند و رفتار و عملکردشان قابل قدردانی است.

کتاب

بیست‌وهشتمین دوره هفته کتاب با پیام رئیس مجلس آغاز شد

روایت مختارپور از تلخی‌های سه‌گانه کتابخانه‌ها در سال کرونایی

■ سیدمرتضی ذاکر

مراسم بیست‌وهشتمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران و روز گرامیداشت «کتاب، کتابخوانی و کتابدار» با شعار «دانایی، مانایی» با پیام رئیس مجلس شورای اسلامی آغاز به کار کرد.

علیرضا مختارپور، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، در این مراسم با گرامیداشت یاد علامه طباطبایی طی سخنانی گفت: اگر سال کتابخانه‌های عمومی را از ۲۴ آبان ماه سال قبل تا ۲۴ آبان ماه سال جاری در نظر بگیریم، سال گذشته از جهاتی سال ناگواری برای این کشور بوده است.

مهم‌ترین جنبه ناگوار بودن سال گذشته، بیماری و درگذشت جمعی از مردم شریف کشورمان، اهالی فرهنگ و ادب و از جمله خانواده تعدادی از کتابداران و همکاران کتابخانه‌ها و نیز برخی از اعضای کتابخانه‌های عمومی در اثر بیماری جدید و عالم‌گیر کرونا بوده است.

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور افزود: تلخی دیگر سالی که گذشت، تعطیلی و کاهش فعالیت‌های حضوری فرهنگی و خدمات کتابخانه‌ای در مدت مدیدی از این سال به دلیل همان بیماری بوده است. اشتیاق و دلتنگی اعضای کتابخانه‌های عمومی و اغلب کتابداران برای حضور در کتابخانه‌ها از سویی و ضوابط لازم‌الاجرا برای جلوگیری از گسترش این بیماری، باعث تعطیلی یا کاهش بخش وسیعی از فعالیت‌های فرهنگی و از جمله کتابخانه‌های عمومی شد.

وی یادآور شد: به رغم این وضعیت، بسیاری از کتابداران و همکاران با ابتکار و خلاقیت به فعالیت‌های متنوع و متعدد در فضای حقیقی یا مجازی پرداختند که فصل جدیدی از خدمات ارزشمند این عزیزان را برای جامعه فرهنگی ایران نمایان کرد؛ از مشارکت در تولید ماسک در ماه‌های اول در برخی کتابخانه‌ها گرفته تا مشارکت در مواسات و همدلی اجتماعی که موجب افتخار نهاد است.

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در ادامه با اشاره به مسائل پیش روی این نهاد در حوزه تأمین بودجه در سال جاری یادآور شد: نهاد کتابخانه‌های عمومی با یک تلخی دیگر هم روبه‌رو بود، یعنی همراه نبودن برخی دستگاه‌های مسئول در تأمین بودجه لازم برای بهره‌مندی کارکنان و کتابداران این نهاد از افزایش حقوق و مزایای کارکنان دستگاه‌های دیگر.